



The level of teachers' familiarity with the usefulness of Gardner's theory of multiple intelligences in all-round education of fundamental change document

Mohammad Javad Asghari
Master in Educational Science, Education Department, Isfahan, Iran

Adress : m.j.asghari135548@gmail.com

Telephon: 09136034767

Abstract

The aim of the current research was to investigate the level of teachers' familiarity with the usefulness of Gardner's theory of multiple intelligences in all-round education of fundamental change document. The research method was descriptive. The statistical population of all primary and secondary school female teachers was teaching in educational schools of Varzane city in the academic year of 1402-1403. From this statistical population, 83 teacher (51 teacher from elementary school and 32 teacher from secondary school) were selected by available sampling method and answered the researcher-made questionnaire related to the research questions. The data were analyzed using descriptive statistics. The results of the research showed that a large percentage of teachers are familiar with this theory only to the extent of hearing the name of the theory, and a small percentage are fully familiar with this theory and use it in the teaching process. And a very small percentage have no familiarity, in general, most teachers do not use this theory in the teaching process.

Keywords: Gardner's theory, Multiple intelligences, Teachers, on all-round education, Fundamental change document



میزان آشنایی معلمان با سودمندی نظریه هوشهای چندگانه گاردنر در تربیت تمام ساحتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

محمد جواد اصغری^۱

^۱ کارشناسی ارشد، برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد خوراسگان

اداره آموزش و پرورش استان اصفهان

آدرس پست الکترونیک m.j.asghari135548@gmail.com

شماره تماس ۰۹۱۳۶۰۳۴۷۶۷

چکیده :

هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان آشنایی معلمان زن شهرستان ورزنه با سودمندی نظریه هوشهای چندگانه گاردنر در تربیت تمام ساحتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بود. روش پژوهش توصیفی بود. جامعه آماری کلیه معلمان زن دوره ابتدایی و متوسطه اول مشغول به تدریس در مدارس آموزش و پرورش شهرستان ورزنه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. از این جامعه آماری تعداد ۸۳ نفر از معلمان زن (۵۱ نفر از دوره ابتدایی و ۳۲ نفر از دوره متوسطه) به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه محقق ساخته که در رابطه با سوالات پژوهش طراحی شده بود پاسخ دادند. داده ها به روش آمار توصیفی تحلیل شدند. نتیجه پژوهش نشان داد درصد زیادی از معلمان با این نظریه آشنایی جزئی فقط در حد شنیدن نام نظریه دارند و درصد کمی با این نظریه آشنایی کامل دارند و از آن در فرایند تدریس استفاده می کنند. و درصد بسیار کمی هم هیچ آشنایی ندارند به طور کلی بیشتر معلمان از این نظریه آشنایی کامل نداشته و در فرایند تدریس از آن استفاده نمی کنند.

واژگان کلیدی: نظریه گاردنر، هوش های چندگانه، معلمان، تربیت تمام ساحتی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش



۱- مقدمه : (مقدمه، بیان مسئله، ضرورت، بیان اهداف، سوالات پژوهش، مبانی نظری، پیشینه پژوهش)

نظام آموزش و پرورش به عنوان سنگ زیربنای رشد علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای روبه رو شدن و هماهنگی با تحولات سریع علمی- اجتماعی طبیعتاً نیاز به بازآفرینی و تحول اساسی دارد. به همین دلیل، سیاستگذاران عرصه تعلیم و تربیت در چند دهه اخیر به فکر تدوین و اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش افتادند.

آغاز سخن در مورد تحول نظام آموزشی در ایران با عنوان طرح «تغییر بنیادین نظام آموزش و پرورش» به سال ۱۳۶۷ برمی گردد. این طرح به مدت ۲۰ سال در حد حرف باقی ماند تا اینکه در سال ۱۳۸۹ با برگزاری جلسات متعدد با حضور کارشناسان و اصحاب تعلیم و تربیت به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید و پس از آن با تصویب در شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۰ جهت اجرا به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ شد.

این سند که به عنوان نقشه راه و راهنما برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت محسوب می شود شامل ۸ فصل با عناوین فصل اول: کلیات، فصل دوم: بیانیه ارزش ها، فصل سوم: بیانیه مأموریت، فصل چهارم: چشم انداز، فصل پنجم: هدف های کلان، فصل ششم: راهبردهای کلان، فصل هفتم: برنامه عملیاتی، فصل هشتم: نظام نظارت و ارزیابی است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

موضوعاتی که در سند تحول به آن تاکید شده و لازم است مورد توجه معلمان، مدیران مدارس و مولفین کتب درسی قرار گیرد توجه به تفاوت های فردی، فراهم کردن شرایط برای رشد و پرورش استعدادها، افزایش خودآگاهی دانش آموزان، ایجاد تنوع در محیط یادگیری، پرورش تفکر خلاق و انتقادی، پرورش روحیه کارآفرینی، دست یابی به تخصص و پیشرفت حرفه ای، تقویت مهارتهای اجتماعی، افزایش معرفت دینی و معنوی و در یک عبارت خلاصه، تربیت تمام ساحتی است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

یکی از نظریه های مطرح در روانشناسی که اعتقاد به تربیت تمام ساحتی دارد و دیدگاه چند بعدی به انسان دارد نظریه هوش های چندگانه^۱ هاوارد گاردنر^۲ است. گاردنر در سال ۱۹۸۳ نظریه هوشهای چندگانه را در کتابی به نام «چارچوب های ذهن^۳» معرفی کرد. گاردنر در لیست معرفی هوشهای چندگانه به ۹ هوش (هوش زبانی، هوش منطقی- ریاضی، هوش هوش فیزیکی- جنبشی- بدنی، هوش موسیقایی، هوش درون فردی، هوش بین فردی، هوش تجسم فضایی، هوش طبیعت گرا و هوش وجودگرا) اشاره کرده است. مدل شناسایی استعداد گاردنر (۱۹۸۳) به عنوان یکی از مدل های پرکاربرد شناسایی استعداد شناخته شده است. شرح گاردنر (۱۹۸۳، ۱۹۹۹) و آرمسترانگ^۴ (۱۹۹۴، ۲۰۰۰) از هوشهای چندگانه به شرح زیر است:

هوش زبانی- کلامی

ویژگی های بنیادین هوش زبانی عبارت است از توانایی کاربرد واژگان به شکل مؤثر در خواندن، نوشتن، گوش دادن و سخن گفتن. مهارت زبانی برای توصیف کردن، تشریح و ابراز گری دارای اهمیت است. کسانی که توانایی نگارش مقاله یا رساله های تحصیلی را دارند و می توانند گزارش های شفاهی قابل فهم و جذابی ارائه دهند دارای هوش کلامی برجسته اند. گاردنر، توانایی نویسندگی، سخنرانی، تدریس، روزنامه نگاری، داستان گویی، گفتار متقاعد ساز و شعر و شاعری را به عنوان نمونه ای از توانایی زبانی- کلامی ذکر کرده است.

هوش منطقی- ریاضی

هوش منطقی- ریاضی شامل مهارت در محاسبه، استدلال پردازشی منطقی و حل مسئله است. افراد قوی در این نوع هوش معمولاً به عنوان افراد باهوش توصیف می شوند. هوش منطقی- ریاضی برای حل مسائل پیچیده و ریاضیات، ضروری است ریاضی دانان، فلاسفه، علمای منطق و مهندسين از هوش منطقی- ریاضی بالایی برخوردارند.

هوش موسیقایی

هوش موسیقایی شامل توجه و حساسیت نسبت به طنین صداها، ریتم، ضرباهنگ و ابعاد هیجانی صداها و نیز توانایی در خوانندگی و نواختن ابزار آلات موسیقی است. قدرت تحلیل، اجرا و ساخت موسیقی، قدرت درک ریتم و ملودی از توانمندی های این افراد است. یک آهنگساز و موسیقیدان نیازمند مهارت قابل توجه در این هوش است.

هوش فیزیکی- جنبشی- بدنی

¹ . multiple intelligence theory
² . Howard Gardner
³ . frames of mind
⁴ . Armstrong



به توانایی استفاده از بدن به شیوه ایی ماهرانه برای فعالیت های ابراز گری (مانند بازیگری) و فعالیت های هدف محور (مانند فعالیت های ورزشی، کار با دستان) اشاره دارد. ورزشکاران و افراد شاغل در هنرهای نمایشی از جمله هنرپیشگان، اجراکنندگان پانتومیم و بالرین ها، برجسته ترین نمونه ای افراد در این نوع استعداد هستند. این افراد از طریق زبان بدن به خوبی با دیگران ارتباط برقرار می کنند. قدرت دست ورزی ماهرانه ای اشیاء نظیر استفاده از ابزارها، رانندگی کردن، جراحی و تولید صنایع دستی از توانمندی های افراد برخوردار از این نوع هوش است.

هوش فضایی

هوش فضایی شامل توانایی درک دنیای بصری به شکل دقیق و اعمال تغییر و تبدیل اصطلاحات در ادراکات اولیه از طریق خیال پردازی ذهنی است. این توانایی، بیانگر قدرت بازنمایی فضای بیرون از ذهن در درون ذهن و توانایی تفکر در قالب شکل ها و الگوهاست. هوش فضایی را می توان در هنرها یا علوم به کار گرفت. افراد برخوردار از هوش دیداری - فضایی به محیط خود بسیار حساس و از آن آگاه اند. دوست دارند نقاشی کنند و نقشه ها را به خوبی می فهمند. اگر فردی دارای هوش فضایی چشم گیری باشد و بخواهد در یک زمینه ی هنری به فعالیت بپردازد به احتمال بیشتر نقاش، مجسمه ساز، عکاس و یا معمار خواهد شد تا موسیقی دان یا نویسنده. به همین ترتیب، اگر بخواهد در یک زمینه ی علمی کار کند، احتمالاً رشته ی تشریح، مکان شناسی، نقشه برداری یا نقشه خوانی را انتخاب می کند. افرادی که دارای هوش فضایی بالایی هستند هنگامی که چشمانشان را می بندند، می توانند آنچه را می خواهند تصور کنند، در ذهنشان به هر جا سفر می کنند و هر چیز را که بخواهند، می آفرینند.

هوش درون فردی (ادراک درونی)

این توانایی به داشتن درکی مناسب از خود اشاره دارد. افرادی که هوش درون فردی دارند شناخت دقیقی از خود دارند، به خوبی می توانند با خود ارتباط برقرار کنند، این افراد خودشان هستند و به چیزی یا کسی بودن یا نبودن تظاهر نمی کنند، آن ها می دانند که از عهده ی چه کارهایی برمی آیند یا چه کارهایی را نمی توانند انجام دهند و اغلب می دانند که در صورت نیاز باید به کجا مراجعه کنند، داشتن بصیرت نسبت به احساسات خود در همان لحظه ای که روی می دهد (خودآگاهی لحظه ای)، توانایی کنترل احساسات خود، خود نظم دهی، توان آرامش بخشی خود در موقعیت های استرس زا برای تصمیم گیری عاقلانه نیز از ویژگی های این هوش است.

هوش بین فردی (درک اجتماعی)

توانایی درک، برقراری ارتباط و تعامل با سایر افراد و گروه ها را هوش بین فردی گویند. این هوش مورد نیاز تمام افراد است خصوصاً کسانی نظیر معلمان، پزشکان، مدیران، فروشندگان، سیاستمداران و تمامی اشخاصی که به نوعی با دیگران سروکار دارند. فرد دارای هوش بین فردی در موقعیت های اجتماعی، رفتاری صحیح از خود نشان می دهد زیرا قادر به درک احساسات و نیازهای سایر افراد و پیش بینی رفتارهای آنهاست. به اعتقاد گاردنر، هوش بین فردی در زندگی اجتماعی دارای اهمیت بسیار است و لازم است مدارس در زمینه ی پرورش آن اقدامات لازم را به عمل آورند. کسی که در این مورد به خوبی پرورش نیافته باشد ممکن است حتی در انتخاب همسر، شغل و اداره ی زندگی خانوادگی و شغلی با مشکلاتی روبه رو شود.

هوش طبیعت گرا

هوش طبیعت گرا، بیانگر توانایی در تشخیص انواع پدیده های طبیعی نظیر گیاهان، جانوران، سنگ ها، ابرها، صخره ها و امکان تشخیص الگوهای طبیعی و دسته بندی آنهاست. توانایی ادراک تنوعات موجود در دنیای طبیعی، احساس نزدیکی به آنها از مشخصه های این هوش است. شاید بتوان داروین را بارزترین نمونه ای افراد دارای هوش طبیعت گرا دانست زیرا او ماهیت اشیای طبیعی را به طور عمیق مورد بررسی قرار می داد. این هوش در مشاغلی نظیر کشاورزی، طبیعت شناس، دامپزشکی، گیاه شناسی و آشپزی اهمیت دارد.

هوش وجودگرا

آخرین هوشی که گاردنر به لیست هوشهای چندگانه اضافه کرد هوش وجود گرا بود افرادی که در این نوع هوش قوی هستند سوالات عمیقی در مورد معنا و فلسفه زندگی انسان، مرگ، نقش فرد در جهان می پرسند این افراد تفکرات معنوی و فلسفی دارند. فلاسفه، عارفان در این هوش قوی هستند.

طبق نظر گاردنر، یادگیری فقط از طریق یک هوش نیست. از نظر او هوش مفهوم یگانه و تک ساحتی ندارد بلکه دارای ابعاد مختلف است. هر فردی می تواند به لحاظ ژنتیکی و تاثیر محیط غنی در یک، دو، سه یا همه ابعاد هوشی قوی باشد. در یک محیط آموزشی فراگیران با توجه به نوع و سطح هوش خود به طور متفاوت یاد می گیرند. گاردنر به نظام آموزشی سنتی انتقاد می کند و بیان می کند در نظام آموزشی سنتی، به تفاوت های فردی و ابعاد مختلف هوشی توجه نمی شود معلمان، به جای استفاده از روشهای متفاوت و متناسب با انواع استعداد، فقط از یک روش یکسان برای تدریس و ارزشیابی استفاده می کنند. در این نظام آموزشی، دانش آموزانی که هوش کلامی و ریاضی بالایی دارند با هوش تلقی می شوند. سایر دانش آموزان هم با وجود داشتن توانایی بالا در ورزش، نقاشی، صنایع دستی و... در صورتی که هوش کلامی و ریاضی آنها پایین باشد برچسب دانش آموز ضعیف و تنبل می گیرند. توصیه گاردنر به معلمان این است که به تفاوت های فردی توجه کرده و از روشهای متفاوت برای تدریس و ارزشیابی دانش آموزان استفاده کنند و زمینه را برای پرورش و رشد استعداد های گوناگون فراهم آورند.



پیشینه پژوهش

پژوهش های متعدد حکایت از سودمندی نظریه هوش های چندگانه در مدرسه در جهت پیشبرد اهداف توسعه ایی که در سند تحول به آن اشاره شده است دارند. به چند نمونه از این پژوهش ها اشاره می کنیم:

نتیجه پژوهش پینار، نیمن، کامپر^۵ (۲۰۱۱) نشان داد رویکرد هوش های چندگانه تأثیر مثبتی بر رفتار و پیشرفت تحصیلی فراگیران دارد در این پژوهش فراگیران از نقاط قوت و ضعف خود و چگونگی غلبه بر نقاط ضعف خود آگاه شدند و اظهار داشتند که رویکرد هوش های چندگانه را در تدریس ترجیح می دهند.

باس^۶ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش مبتنی بر هوش های چندگانه بر پیشرفت تحصیلی - یک مطالعه فراتحلیل نشان داد آموزش هوش چندگانه بر پیشرفت تحصیلی اندازه اثر زیادی دارد.

فرامرز زارع، قنوت (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند برنامه های آموزشی مبتنی بر نظریه گاردنر می تواند به کشف مجموعه استعدادها و توانایی های دانش آموزان کمک کند و شرایط و فرصت لازم برای بروز استعدادها را فراهم آورد.

کولتا (۲۰۰۳) در پژوهش خود نشان داد از طریق آموزش هوش های چندگانه دانش آموزان میتوانند استعدادهای خود را شناسایی کنند و به این ترتیب به شایستگی حرفه ای و تحصیلی خود کمک کنند (فرامرز و همکاران، ۱۳۹۴).

جانسون (۲۰۰۷) در پژوهشی دیگر نشان داد آموزش از طریق هوشهای چندگانه نه تنها موجب موفقیت در دروس می شود بلکه به بهبود تعاملات معلم و دانش آموزان هم کمک می کند (فرامرز و همکاران، ۱۳۹۴).

نتیجه پژوهش رحیمی، یزدخواستی، حسن پور (۱۳۹۳) نشان داد از طریق توجه به رشد ابعاد هوش چندگانه می توان زمینه پرورش تفکر خلاق را فراهم آورد. نتیجه پژوهش آنها نشان داد که از بین هوشهای چندگانه، چهار هوش وجودگرا، هوش درون فردی، هوش منطقی- ریاضی و هوش دیداری- فضایی بهتر می توانند تفکر خلاق را پیش بینی کند.

نتیجه پژوهش فقیه آرام (۱۳۹۷) نشان داد با تقویت هوشهای چندگانه، ویژگی شخصیتی کارآفرینی افزایش می یابد همچنین در پژوهشی دیگر ملکیان و ملکی^۷ (۲۰۱۲) نشان دادند هرچه هوش های چندگانه در فرد تقویت شود حس کارآفرینانه در او قویتر خواهد بود.

در پژوهش پیشقدم و معافیان (۱۳۸۶) نشان داد هوشهای چندگانه می تواند در موفقیت شغلی موثر باشد. در پژوهش آنها معلمان زبان که دارای سه هوش موسیقی، بین فردی و هوش کلامی بودند در تدریس خود موفق تر بودند.

سوالات پژوهش

با توجه به سودمندی و کارایی نظریه هوش های چندگانه سوالی که در این پژوهش مطرح است این است که چند درصد از معلمان مدارس با نظریه های هوش چندگانه در راستای اجرای سند تحول آشنایی دارند؟ و چند درصد از آنها نظریه هوشهای چندگانه را در کلاس درس به کار می گیرند؟

۲- روش شناسی : (نوع تحلیل، روش گردآوری مطالب، جامعه آماری، مدل نمونه گیری، روش تحلیل یافته ها و...)

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه معلمان دوره ابتدایی و متوسطه اول شهرستان ورزنه (مردوزن) بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در مدارس مشغول به تدریس بودند تعداد نمونه ۸۳ نفر معلم زن (۵۱ نفر از دوره ابتدایی و ۳۲ نفر از دوره متوسطه) بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته متناسب با سوالهای پژوهش استفاده شد. در این پژوهش برای تحلیل نتایج از روش آمار توصیفی (درصد و فراوانی) استفاده شد.

⁵ . Pienaar, Nieman, & Kamper

⁶ . Baş

⁷ . Malekian & Maleki



۳- بحث درباره یافته ها

پس از جمع آوری داده ها، فراوانی و درصد برای هریک از سوالات تحقیق محاسبه گردید. اطلاعات در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱ میزان آشنایی معلمان با نظریه هوش های چندگانه گاردنر

سوال	فراوانی	درصد
آشنایی در حد شنیدن نام نظریه	۵۷	۶۸/۶
آشنایی کامل و به کارگیری آن در تدریس	۱۲	۱۴/۴
اصلا آشنایی ندارند	۱۰	۱۲/۰۴
آشنایی کامل و بدون بهره گیری از آن در تدریس	۴	۴/۸

جدول ۱ میزان آشنایی معلمان را با نظریه هوش های گاردنر نشان می دهد. در زمینه میزان آشنایی معلمان همانطور که نتیجه جدول نشان می دهد ۶۸/۶ درصد معلمان آشنایی جزئی یعنی در حد شنیدن نام نظریه دارند و ۱۴/۴ درصد ادعا کرده اند با این نظریه آشنایی کامل داشته و آن را در فرایند تدریس به کار می برند. ۱۲/۰۴ درصد بیان کرده اند که هیچ آشنایی ندارند و ۴/۸ درصد هم اعلام کرده اند که با این نظریه آشنایی دارند ولی در فرایند تدریس آن را به کار نمی برند. به طور کلی ۸۰/۷ درصد معلمان اعلام کردند با این نظریه آشنایی کامل ندارند از آن در تدریس استفاده نمی کنند.

۴- نتیجه گیری

فراهم آوری بستر برای رشد و پرورش تمام ابعاد وجودی موضوعی است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به آن تاکید شده است. طبیعتا با ایجاد چنین شرایطی دستیابی به اهداف رشدی مانند خلاقیت، تحول، کارآفرینی، خودآگاهی (کشف نقاط قوت و ضعف)، دستیابی به تخصص حرفه ایی، تامین سلامت جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی برای فراگیران فراهم می شود. یکی از نظریه های مهم روانشناسی که بهره گیری از آن در نظام تعلیم و تربیت زمینه را برای رشد و پرورش همه جانبه فراهم می کند نظریه هوش های چندگانه گاردنر است. این نظریه در اکثر متون روانشناسی از آن یاد شده است و تا کنون موضوع پژوهش های بسیار بوده است. نتیجه پژوهش ها در رابطه با سودمندی این نظریه در تعلیم و تربیت نشان می دهد کاربرد هوش های چندگانه توانسته است باعث افزایش خودآگاهی (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۴)، بهبود تعاملات اجتماعی (جانسون^۸، ۲۰۰۷)، خلاقیت (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۳)، روحیه کارآفرینی (فقیه آرام، ۱۳۹۷)، سازگاری (شریفی، ۱۳۸۴)، موفقیت شغلی (پیشقدم و معافیان، ۱۳۸۶) و پیشرفت درسی (باس^۹، ۲۰۱۶) شود و این دقیقا همان موضوعاتی است که در تربیت تمام ساحتی تاکید شده است. با توجه به سودمندی نظریه هوش های چندگانه در تربیت تمام ساحتی، سوالی که مطرح است این است که چند درصد از معلمان آموزش و پرورش با این نظریه آشنایی دارند و آن را در مدرسه و در کلاس درس به کار می گیرند. نتیجه این پژوهش که بر روی معلمان زن آموزش و پرورش شهرستان ورزنه از دو دوره ابتدایی و متوسطه اول انجام شد نشان داد ۸۰/۷ درصد معلمان با این نظریه آشنایی کامل ندارند از آن در تدریس استفاده نمی کنند.

پیشنهادهات

با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می شود دانشجو معلمان در دانشگاه و معلمان مدارس در قالب کارگاههای آموزشی با نظریه هوش های چندگانه و کاربرد آن در تدریس آشنا شوند. این پژوهش دارای محدودیتهایی است که در پژوهش های بعدی لازم است به آن توجه شود. این پژوهش بر روی معلمان زن در دو دوره ابتدایی و متوسطه انجام شد بهتر است در پژوهشهای مشابه بعدی بر روی نمونه بزرگتر از معلمان از هر دو جنس (زن و مرد) انجام شود. همچنین این پژوهش بر روی معلمان یکی از مناطق کوچک آموزش و پرورش انجام شده است لازم است به منظور مقایسه، پژوهش مشابهی بر روی معلمان مدارس کلان شهرها و نواحی بزرگ آموزش و پرورش انجام شود و دیگر اینکه در این پژوهش از

^۸ . Johnson

^۹ . BAS



پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد پژوهشگران می توانند در پژوهشهای مشابه از روشهای دیگر ارزیابی مانند مشاهده و مصاحبه استفاده کنند.

منابع

پیش قدم، رضا، معافیان، فاطمه. (۱۳۸۶). نقش هوش چندگانه معلمان زبان انگلیسی دبیرستان ها در موفقیت آنان در تدریس. *پژوهش زبان های خارجی*، (۴۲)، ۲۵-۵.

رحیمی، حمید، یزدخواستی، علی، حسن پور، راحله. (۱۳۹۳). تحلیل رابطه بین هوش های چندگانه با تفکر خلاق دانشجویان. *گام های توسعه در آموزش پزشکی*، ۱۱ (۳)، ۳۵۹-۳۵۰.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی. تهران.

فرامرزی، سالار، زارع، حسین، فتوت، اعظم. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر نظریه گاردنر بر عملکرد هوش های چندگانه دانش آموزان. *روان شناسی تربیتی (روانشناسی و علوم تربیتی)*، ۱۱ (۳۶)، ۱۷۷-۱۵۱.

فقیه آرام، بتول. (۱۳۹۷). رابطه هوشهای چندگانه با ویژگی شخصیتی کارآفرینی و خلاقیت دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۷ (۴)، ۱۹۶-۱۷۹.

Armstrong, T. (1994). *Multiple intelligences: Seven ways to approach curriculum. Educational Leadership*, 52(3): 26-28.

Armstrong, T. (2000). *Multiple intelligences in the classroom*. Alexandria, Va.: Association for Supervision and Curriculum Development.

Baş, G. (2016). The effect of multiple intelligences theory-based education on academic achievement: A meta-analytic review. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 16, 1833-1864.

Gardner, H. (1983). *Frames of Mind: The Theory of Multiple Intelligence*. New York: Harper & Row

Gardner, H. (1999). *Intelligence Reframed. Multiple intelligences for the 21st century*. New York: Basic Books

Malekian, F. & Maleki, Zh. (2012), "A Survey on relation between the amount of multiple intelligences (Gardner) and entrepreneurship sense among university students", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 51: 891 - 896.

Pienaar, H.C., Nieman, M.M, & Kamper, G.D. (2011) *Implementing a teaching approach based on the multiple intelligence theory in a South African school: A case study, Africa Education Review*, 8:2, 267-285.